یادداشت

فرمان سیما دست کیست؟

سعیدفانیان
مدرس و فعال رسانه

صداوسیما در جریان تجاوزات اسرائیل به کشورمان بعد از شروع حملات ساعت‌های اول با وجود دریافت هشدارهای منابع ذی‌ربط داخلی، بازهم غافلگیر شده بود و طرح مشخصی برای خبررسانی و اقناع مخاطب نداشت. دست‌اندرکاران صداوسیما روزهای بعد از تجاوز رژیم صهیونیستی اعلام کردند که برخی از فرماندهان شهید ساعاتی قبل از تجاوز اسرائیل شرایط ویژه و احتمال بالای حمله را به صداوسیما اطلاع داده بودند، البته آنها به مرور بر شرایط مسلط شده و برای ایجاد یک فضای حماسی تلاش کردند، متعاقب آن، در چند برنامه چند نفر از سیاسیونی که معمولا به برنامه‌ها دعوت نمی‌شدند، دعوت شدند و به گفت‌وگو پرداختند. در همان روزها عده‌ای از کارشناسان، این حرکت صداوسیما را به فال نیک گرفتند و پیش‌بینی کردند یا بهتر است بگویم قلبا آرزو کردند که این رسانه در مسیر تصحیح راه گذشته و مردمی‌کردن و بهادادن هرچه بیشتر به افکار عمومی و احترام به تفکرات و سلیقه‌های مختلف درون کشور قرار گرفته است، اما سازمان به‌زودی و با گذشت تنها چند هفته از آن روزها به قول معروف به تنظیمات اولیه بازگشت. در برنامه‌ها حملات متعددی در قالب‌های مختلف تولیدی یا پخش مستقیم به تفکرات رقبا و نیز شخص یا همراهان رئیس‌جمهور شد، قبلا نیز برخی مجریان و کارشناسان از موقعیت در اختیار بودن آنتن تلویزیون بارها سوءاستفاده کرده بودند، خانمی که اعلام کرد و اجازه داد تا هرکس نمی‌خواهد از ایران برود؟! خانم مجری‌ای که شخصا از کندگذشتن ایام و برچیده‌نشدن بساط دولت دوازدهم در برنامه زنده حرف زد و گفت جمع کنید بساطتان را و بروید...! البته چند موردی از این قبیل در زمان ریاست قبلی صداوسیما صورت گرفته بود.

گمان بر این بود که با تغییر در مدیریت ارشد سازمان و آمدن آقای پیمان جبلی بساط یک‌جانبه‌گرایی‌ها، سیاسی‌کاری‌ها و استفاده بی‌رویه از آنتن شبکه‌ها توسط یک جریان برچیده خواهد شد و کنترل و نظارت و پاسخ‌گویی بهتری اتفاق خواهد یافت، اما با وجود خطیرترشدن شرایط، واگویی‌ها و یک‌سونگری‌ها و حملات شخصی و گروهی به غیرخودی‌ها (از نظر صداوسیما) افزایش یافت، از متهم‌کردن بعضی از رجال سابق تا محکوم‌کردن نظرات سیاسی اعلام‌شده، زیر سؤال بردن مشی دولت برای گفت‌وگوهای احتمالی با آمریکا و اروپا، کوبیدن مکرر اشخاصی که در برنامه‌ها نیستند یا نمایندگانشان حضور ندارند و در صورت دریافت پاسخی از آنها، مانند سال‌های گذشته منعکس‌نکردن نظراتشان. نحوه رفتار تلویزیون مختص به مباحث سیاسی نیست، در برنامه‌های اقتصادی نیز غالب گفت‌وگوها و بررسی‌ها بدون حضور مسئولان یا کارشناسان دولت مستقر و حضور و سخن‌فرسایی عوامل و کارشناسان دست‌اندرکار در دولت قبلی بوده، به نحوی که در یک برنامه اقتصادی دو کارشناس حاضر از مسئولان دولت قبل و مجری برنامه که باید نقش بی‌طرف و مستقلی داشته باشد نیز از مدیران کل حوزه صنعت و اقتصاد دولت قبل انتخاب شده بودند، یک‌سونگری و مخالفت با سایر دیدگاه‌ها به‌ویژه با تفکر دولت چهاردهم آن‌قدر زیاد و در عین حال راحت شده که انگار به عنوان خط مشی و وظیفه سازمانی به آنها برای اجرا ابلاغ شده است!

متأسفانه صداوسیما با وجود انعکاس منفی رویه‌های موجود و اعتراض و واکنش‌های منفی جریانات مختلف سیاسی و برخی از مستقلین و ناصحین جامعه برای تصحیح وضع موجود اقدامی جدی به عمل نیاورده است، صحبت‌ها و توضیحات رئیس صداوسیما در این مورد هم چندان مستدل و اقناع‌کننده نبود، آقای جبلی بابت توهین‌ها و بیانات مخالف در برنامه‌ها، اعلام کرد که مسئولیت سخنان میهمان در برنامه با خودش است و مجری برنامه‌های گفت‌وگومحور باید رفتار و گفتار خود را مدیریت کند. نکته درستی است ولی تعدادی از مجریان سیما مدت‌هاست که رفتار و گفتار خود را مدیریت نمی‌کنند، حالا برنامه شما چیست؟ به افرادی که به آنها توهین شده است، فرصت حضور و پاسخ‌گویی می‌دهید؟ چرا همواره نتیجه رعایت‌نکردن مجریان به ضرر طیف‌ها و تفکرهای غیرهمراه یا رقبای فکری شماست؟ چرا وقتی مجری هم ناخودآگاه خود طرف و مقابل می‌شود، در پایان برنامه یا ابتدای برنامه بعدی از این بابت عذرخواهی نمی‌کند، یا توضیح نمی‌دهد و بدون نگرانی مجددا تکرار می‌کند!؟ چرا وقتی کارشناسی نسبت به مقام مسئول یا هر شخصیت دیگر در جامعه توهین می‌کند یا تفکر او را باطل یا مضر می‌داند، تهیه‌کننده، سردبیر یا عوامل مسئول برنامه خود را موظف به اصلاح نمی‌دانند و البته از همه مهم‌تر، اگر رسانه صداوسیما ملی است، چرا اصولا در برنامه‌ها از همه طیف‌های سیاسی پذیرفته‌شده در جامعه حضور ندارند یا اگر نیستند فرصت پاسخ‌گویی پیدا نمی‌کنند؟ چرا اشتباهات (مثلا) هیچ‌گاه مخالف مشی و تفکر حاکم بر صداوسیما اتفاق نمی‌افتد؟

فرصت تاریخی پوست‌اندازی

بازگشت به اصل مترقی اصلاحات و استعلا

آنوش رحام

محمد خاتمی این روزها درحالی‌که گرد پیری و کهولت سن بر چهره او نشسته، در بستر بیماری است، بسیاری از ۱۸ساله‌های رأی‌اولی که در سال ۷۶ به گفتمان محمد خاتمی رأی دادند، وارد ۴۵سالگی و میانسالی شده‌اند.

سیدمحمد خاتمی با اینکه چهره‌ای شناخته‌شده نزد نسل جوان و مردم نبود، در بدو ورود به رقابت‌ها ابتکار توسعه سیاسی و جامعه مدنی را مطرح کرد و گفتمانی را خلق کرد که پس از پیروزی با ۲۰ میلیون رأی در انتخابات به جبهه دوم خرداد و اصلاحات مشهور شد. دورانی که یکی از پر فراز و نشیب‌ترین سال‌های پس از انقلاب بود و منازعات سیاسی داخلی به کف خیابان‌ها رسید، از بسیاری جهات دیگر سرآمد بود، جهش و رشد اقتصادی بیش از شش درصد، کاهش چشمگیر بدهی‌های خارجی به حدود ۲.۹ میلیارد دلار و همچنین تثبیت تورم در سطوح زیر ۱۳ درصد، کاهش چشمگیر نرخ بی‌کاری و اصلاح ساختار ارزی و بسیاری از زیرساخت‌های کلیدی در بخش‌های صنعتی و انرژی‌بخشی از دستاوردهای دوره اصلاحات بود که در دولت‌های قبلی با شرایط مشابه کمتر تکرار شد.

اما دشمنی‌ها با محمد خاتمی و پروژه غرب‌زدگی و لیبرالیسم معرفی‌کردن جبهه اصلاحات در همان روزهای آغازین انتخابات کلید خورد و بحران‌آفرینی‌های داخلی کنار منازعات خارجی تا آخرین روزهای دولت او ادامه داشت و با روی کار آمدن دولت رادیکال محمود احمدی‌نژاد وارد فاز جدیدی شد، به نحوی که در یک مقطع هشت‌ساله جریان رقیب که بعدها خود دچار انحراف و افراطی‌گری شد، تلاش کرد او را در جبهه ضد انقلاب و مقهور سیاسی معرفی کنند و در سال‌هایی که محمود احمدی‌نژاد حمایت تمام‌قد اصولگرایان را در اختیار داشت، از تریبون‌های رسمی گفتمان محمد خاتمی جریان «ضد انقلاب» معرفی می‌شد.

اما سید محمد هیچ‌گاه از خطوط و اصولی که برای جبهه اصلاحات و منش سیاسی اصلاحات ترسیم کرده بود، عدول نکرد، در این بین برخی یاران اصلاح‌طلبان چپ تندرو بارها با عبور از خطوط قرمز، سیدمحمد خاتمی را سیل و آماج حملات کردند و بهانه و گزک به دست جناح رقیب می‌دادند.

شاید در تمام این سال‌ها فقدان مرجعیتی برای ایجاد وفاق واقعی و اصلاحات در کشور می‌توانست از بسیاری از خسارت‌ها جلوگیری کند و به قول وحید حقانی نیازمند مرجعی هستیم که بین بطن هفتم و آخرین لایه مغز نظام و پوسته سخت و اول آن پیوندی ایجاد کند!

گرچه بسیاری منظور آقای وحید حقانیان از این استعاره پیچیده را متوجه نشدند! ولی نسل دهه پنجاهی‌ها به این واقعیت واقف است که عدم ترابط و قرابت لایه‌های مختلف کشور با یکدیگر و بار منازعات سیاسی چه خسارت‌هایی در مسیر توسعه و رشد کشور ایجاد کرده است.

به واقع با قدرت‌گرفتن دولت نهم رویکرد منازعه‌طلبی و تنش‌آفرینی محمود احمدی‌نژاد و حامیان اصولگرای او در همه ابعاد داخلی و بیرونی و تبدیل آن به سیمای آرمانی و صورت ایدئال گفتمان انقلابی پرهزینه‌ترین آفت سیاسی سه دهه گذشته بود که بخش بزرگی از چالش‌های امروز هم حاصل همان سیاست‌های منازعه‌طلبانه است.

خوانش و روایت انحرافی از مفهوم انقلابیگری که توسط نزدیکان دولت نهم و جریان‌های غالب سیاسی آن زمان ترویج شد، بعدها توسط بسیاری از حامیان معتدل اصولگرایی تقبیح شد، اما چه فایده که هزینه آن را آحاد مردم ایران در سال‌های بعد با فشارهای خردکننده تحریمی پرداخت کردند و سفره مردم را هر روز کوچک‌تر کرد و به قیمت مهاجرت و فرار مغزها از کشور تمام شد، دوره‌ای که به بسیاری از بزرگان سیاسی کشور، از جمله مرحوم هاشمی، ناطق نوری، خاتمی و بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب مورد وثوق مردم از تریبون‌های رسمی توهین و بی‌احترامی شد و این میزان خودزنی در فضای سیاسی کشور که صرفا چهره نظام را خدشه‌دار می‌کرد در ۴۶ سال گذشته کم‌سابقه بود.

اما محمد خاتمی در همه بزنگاه‌ها و انتخابات‌ها با وجود همه نامهربانی‌ها -به کسی که هشت سال رئیس‌جمهور و شخص دوم مملکت بوده - از عهده تکلیف خارج نشد و از سرمایه اجتماعی خود برای بالابردن مشارکت حداکثری مردم به نفع نظام مایه گذاشت و در همه این سال‌ها هیچ‌گاه خلاف مصلحت نظام موضع‌گیری نکرد و آب به آسیاب دشمن نریخت.

از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، انتخابات عصاره مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی در هر حکومت است، در بستر انتخابات احزاب سیاسی خود را در معرض رأی مردم قرار می‌دهند و توده‌ها نیز به عنوان خریدار اصلی ایده‌ها و چهره‌های جریان‌های سیاسی در این عرصه نقش‌آفرینی می‌کنند که در نهایت منجر به مشارکت سیاسی و نهادینه‌شدن آن در نهادهای مدنی می‌شود.

به نحوی که وجه تمایز نظام‌های سیاسی دموکراتیک از نظام‌های غیردموکراتیک در میزان و مشارکت سیاسی تعیین می‌شود. با چنین معیار و ویژگی‌هایی در چهار دهه گذشته میزان مشارکت مردم در اغلب انتخابات‌ها بالای ۵۰ درصد بوده که روی کاغذ نمره قابل قبولی در مقایسه با کشورهای عربی خاورمیانه و منطقه داشته است.

اما با فزونی‌یافتن بار منازعات داخلی و خارجی و اثرات تحریم‌های خارجی و به دنبال آن کاهش رفاه عمومی و فشار مضاعف بر طبقه متوسط و پدیدارشدن مشکلات معیشتی از یک سو و پدیدارشدن ابرچالش‌های مختلف از جمله ناترازی‌ها و اثرات سوء آن بر کسب‌وکارها و انباشت مطالبات پاسخ‌داده‌نشده مردم به ایجاد نارضایی‌ها دامن زد، تاجایی‌که در انتخابات اخیر بخشی از مردم و نخبگان با صندوق رأی قهر کردند. تجربه مشارکت پایین نشان داد منزوی و حاشیه‌نشین کردن چهره‌هایی که مورد وثوق مردم هستند، نتیجه‌ای جز دلسردی و قهر مردم و تعمیق شکاف رابطه ملت با دولت ندارد و ازاین‌رو شاید وقت آن رسیده که نظام حکمرانی گام‌های مؤثری به سوی تحول و پوست‌اندازی بردارد، گزاره‌ای که در بیانیه اخیر جبهه اصلاحات موسوم به بازگشت به مردم نیز مشهود بود، تحولی که پشت نظام را در مذاکرات و حتی مواجهه با تهدیدهای دشمن گرم خواهد کرد و تجلی بارز عطوفت اسلامی را در یک اقدام تاریخی با اجماع همه چهره‌ها و ظرفیت‌های کشور عینیت می‌بخشد و به سوی آن استعلایی که متضمن توسعه کشور در همه ابعاد باشد، حرکت خواهد کرد. قطعا باید به گفتمان منسوخ و تفرقه‌افکن تندروهای داخلی و خارجی، به‌ویژه مواضع افراطی رادیکال که دو دهه چهره‌های دلسوز و منتقد نظام را پیاده‌نظام دشمن و فرعونیان غیرقابل بخشش معرفی کردند، خط بطلان کشید و پایان داد تا زمینه اجماع همه چهره‌ها حول محور وفاق واقعی ملی فراهم شود.

دست‌کم تجربه جنگ ۱۲روزه و نمایان‌شدن چهره شبکه مخوف نفوذ، این واقعیت را عریان کرد که در پس منازعات سیاسی و تلاش برای حذف رقبا، سال‌ها درمورد پدیده نفوذ آدرس غلط داده شد و با انتساب تصویری سراسر کذب و دروغ به بسیاری از چهره‌های دلسوز کشور، صرفا پوشش لازم را برای نفوذهای بیشتر دشمن فراهم کرد تا آزادانه در فضای پرهیاهو و کشمکش‌های داخلی عمق نفوذ را گسترش دهند. در چنین فضایی وجوه مختلف ناکارآمدی، حاشیه‌نشینی متخصصان و قدرت‌گرفتن شبه‌متخصص‌ها، فسادهای نجومی، تعارض منافع و تعارض ارزش‌ها، بی‌ثباتی اقتصادی و اشاعه نابرابری و فقر در سایه عدم قطعیت‌ها بر فضای کشور موجب گسست بیشتر رابطه ملت و دولت شده است. ازاین‌رو ضرورت دارد از همه چهره‌هایی که در طول سالیان گذشته اقدامی خلاف مصالح نکرده و مورد احترام مردم هستند، دلجویی شود تا همه ظرفیت‌های کشور برای عبور از وضعیت موجود پای کار بیایند. تنها در چنین شرایطی مردم هم به اصلاح امور امیدوار و نظام را برای یک پوست‌اندازی و تحول به نفع مردم و توسعه ملی همراهی خواهند کرد و کشور می‌تواند با نیروی عظیم مردم بر چالش‌های داخلی و منازعات خارجی فائق آید.

تجربه جنگ ۱۲روزه و پاسخ خیره‌کننده مردم عزیز کشورمان به تجاوز دشمن که فضای میدان نبرد را یکباره متحول کرد، جرقه پیدایش این تحول و پوست‌اندازی است. در جنگ ۱۲روزه ملت همچون مادری حمایتگر دست حکومت را گرفت.

اکنون جنگ، تاریخی‌ترین فرصت برای جبران و بازسازی رابطه ملت و حکومت و همچنین ترمیم روابط پسینی و پیشینی جناح‌های سیاسی با یکدیگر و نقش‌آفرینی بسیاری از نخبگان کشور را که منزوی و خانه‌نشین شده‌اند، فراهم کرده است. فرصت تاریخی که نمود آن پس از جنگ ظفار، عمان را از منزوی‌ترین و محروم‌ترین کشور عربی حاشیه خلیج فارس که در فقر مطلق فرهنگی و اقتصادی به سر می‌برد، به یکی از امن‌ترین و پیشروترین کشورهای جهان عرب تبدیل کرد، اکنون این فرصت بی‌بدیل بعد از جنگ ۱۲روزه که کشور را یک‌صدا و یکپارچه کرد، پیش‌روی حکومت است.

امروز همه عقلا و دلسوزان کشور به ضرورت اصل اصلاح امور در کشور و پوست‌اندازی به سوی ایرانی توانمند و بالنده باور دارند. قطعا پذیرش این اصل متضمن ترمیم سرمایه‌های اجتماعی و رجوع به اصل مترقی اصلاحات خواهد بود پیش از آنکه دیر شود.

بدعت پرهزینه از جیب مردم

نکات مهمی که ساده از کنارش گذشتیم

اسدالله درویش‌امیری

با تبریک هفته دولت به دلسوزان ملت، می‌خواهم این مناسبت را بهانه‌ای قرار دهم و به یک پدیده نادر که مختص به جامعه غیررشدیافته ماست، اشاره کنم.

در تمامی کشورهای جهان، برای مدیریت حوزه‌های گوناگون جامعه، افرادی با عناوین و سطوح مختلف، از پایین‌ترین رده تا بالاترین مناصب، به کار گمارده می‌شوند و این مدیران به طور مداوم در حال جابه‌جایی هستند بدون اینکه یک بنر یا آگهی بلندبالای تبریک دیده شود و بدیهی است که این کار در جوامع توسعه‌یافته، مذموم و منفور تلقی می‌شود. اما متأسفانه این پدیده مذموم و مشمئزکننده در کشور ما به‌ویژه در استان‌های شمالی یک حرکت و فرهنگ غالب و مطلوب! شده است. در دو سه روز گذشته که در مسیر جاده ساحلی نوشهر به رشت در تردد بودم، در شرایطی که مردم با روزگاری دشوار و تنگدستی دسته و پنجه نرم می‌کنند و با کمبود دارو و نارسایی‌های نظام درمانی دست‌به‌گریبان هستند و از قطعی آب و برق به ستوه آمده‌اند (تا جایی که قطعی برق، پیامدهای ناگواری بر مشاغل، کسب‌وکار و درآمدزایی روزمره اصناف گوناگون وارد کرده) در همین فضای آکنده از دغدغه و رنج عمومی، ناگهان چشمم به بنرهای چندمتری رنگارنگ و پرزرق و برقی افتاد که با عکس‌هایی از افرادی تزئین شده بود که به فلان پست دولتی منصوب شده‌اند؛ یا فلان مسئول و نماینده در فلان کار چند نامه نوشته و برای پیشرفت کار چند مورد پیگیری کرده است (که جزء وظایف ذاتی آنهاست) حامیان آن مسئول که بسیار بعید است خودجوش بوده باشد، با یک بنر ۳×۴ و تمثال مبارک آن مقام مسئول از وی متملقانه و چاپلوسانه تشکر می‌کنند. (اینکه خود مسئولان اعم از تقنین و اجرا، اسباب ترویج و تعمیم فرهنگ منحط و ضد قرآنی و ضد توسعه‌ای تملق را فراهم می‌کنند، بسیار عجیب است).

مشاهده کردم که برای انتصاب یک بخشدار یا مسئول هیئت ورزشی، بیش از ۵۰ بنر تبریک در سطح شهر و مسیر جاده نصب شده است. گویا در این استان‌ها نصب بنر تبریک و تشکر و تملق به یک رقابت تبدیل و نهادینه شده است، با خود اندیشیدم: این هزینه‌ها از جیب کیست و به چه انگیزه‌ای؟ چه نتیجه‌ای برای حل مشکلات مردم به‌دنبال دارد؟ فردی به استانداری منصوب می‌شود، دیگری مدیرکل می‌شود و آنگاه تمام استان با بنرها و تصاویر رنگین ایشان با عناوین مختلف آذین می‌شود.

بد نیست به داستان تلخی در همین زمینه اشاره کنم:

در دهه گذشته آقایی به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور منصوب شد و بعینه شاهد بودم که در استان و شهر محل تولدشان قریب به ۵۰۰ بنر با ابعاد بزرگ در سطح استان نصب شده بود. ولی همین آقای محترم در دوره گذشته در شهر تولدشان کاندیدای مجلس می‌شود و همان مردم حاضر نمی‌شوند او را به‌عنوان نماینده برگزینند. اگر آن بنرها از سر صدق دل بود باید در انتخاب وی به صحنه می‌آمد.

با قاطعیت می‌توان ادعا کرد که حتی هزینه یک بنر نیز از جیب شخصی کسی پرداخت نمی‌شود.

به خاطر دارم زمانی که برای تصدی مسئولیتی به استانی اعزام شدم، در اولین مواجهه، بنری مزین به تصویر خود را مشاهده کردم. بلافاصله دستور دادم آن را پایین آوردند و از طریق دفترم به تمامی مدیران دولتی و غیردولتی ابلاغ کردم که از نصب هرگونه بنر با عکس بنده خودداری کنند و در صورت تخلف، با متخلف برخورد قانونی خواهد شد. همچنین به روابط عمومی دستور دادم از ارسال دسته گل و پیام‌های تبریک جلوگیری به عمل آید که خوشبختانه این رویه نتیجه‌بخش بود.

هرگز به هیچ‌کس اجازه ندادم در سفرهای استانی، حیوانی ذبح کند و اگر دستگاه یا مجموعه‌ای مرتکب این عمل می‌شد، هزینه آن از حقوق مدیر مربوطه کسر می‌شد.

امیدوارم دولت دکتر پزشکیان که به ساده‌زیستی مفتخر است و در دفاع از بیت‌المال مدعی است با این رویه غلط مقابله کرده، با صدور دستورالعملی مقابله با این پدیده زشت را به نام این دولت ثبت کند.

جدول ۵۱۳۰ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- دست یکدیگر را فشردن- از مقاطع تحصیلی ۲- نجات‌یافتن- قصه‌گوی سنتی- چراغ روشنی‌بخش ۳- نوعی حلوا- فرومایه- زندگی مرفه- نت ششم ۴- برکشیدن شمشیر از غلاف- شهر باستانی و قرمزرنگ اردن- زبانه آتش ۵- فتنه‌ها- در قدیم شغلش شستن لباس بود- چند وکیل ۶- دعای شب جمعه- گذرگاه- سم حشره‌کش ۷- گشاینده- خدای مصریان قدیم- رمان مشهور امیل زولا فرانسوی ۸- چهره- شهری در جنوب آلمان- بله روسی ۹- مرغ مینای سخنگوی سندباد- واحدی برای اندازه‌گیری مساحت زمین- بهشت ارم را بنا نهاد ۱۰- ستاره‌ای کم‌نور در دب اکبر- زن گندمگون- خوب ۱۱- باریک‌بین- جامه پشمینه درویشان- پست و فرومایه ۱۲- کوشا- مرسوم- بدون آستر ۱۳- ضمیری انگلیسی- درجه‌بندی‌شده- هفدهمین سوره قرآن- انبار کشتی ۱۴- بالاترین درجه دانشگاهی- تیرانداز- جایگاه مرشد در گود زورخانه ۱۵- خط تصویری مصریان باستان- راستا

عمودی:

۱- اخلال‌کننده- دومین ماده معدنی فراوان در بدن- حساب‌شده ۲- درود بر پیامبر و خاندان او- آذوقه سفر- تأیید خارجی ۳- یک و یک- سردی مطبوع- قوه حافظه- نشانه صفت تفضیلی ۴- سوره‌ای سجده‌دار- ناشدنی- فرمانی نظامی ۵- تازه و جدید- اسکلت فلزی اصلی ماشین- قابلمه بزرگ ۶- گوارا- ابزارها، ادوات- قرار داده‌شده ۷- لاف و گزاف- اجاره‌دهنده- از رنگ‌های ترکیبی ۸- نت چهارم- گرمادرمانی- حرف آزاردهنده ۹- نویسنده رمان فلسفی کاندید- بی‌احساس- افسار ۱۰- سرباز نیروی دریایی- پسران عرب- سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا ۱۱- دورکردن و راندن- هر گوشه زمین فوتبال- آسان ۱۲- مهاجم تیم ملی فوتبال اسپانیا- کرم شب‌تاب- نوار ضبط صوت ۱۳- قلم انگلیسی- گلی زینتی- مردد- رفوزه ۱۴- در را به چارچوب متصل می‌کند- خدمتکار پیر- از درجات نیروی دریایی ۱۵- برابری- مربوط به ادبیات- نوعی پارچه کلفت

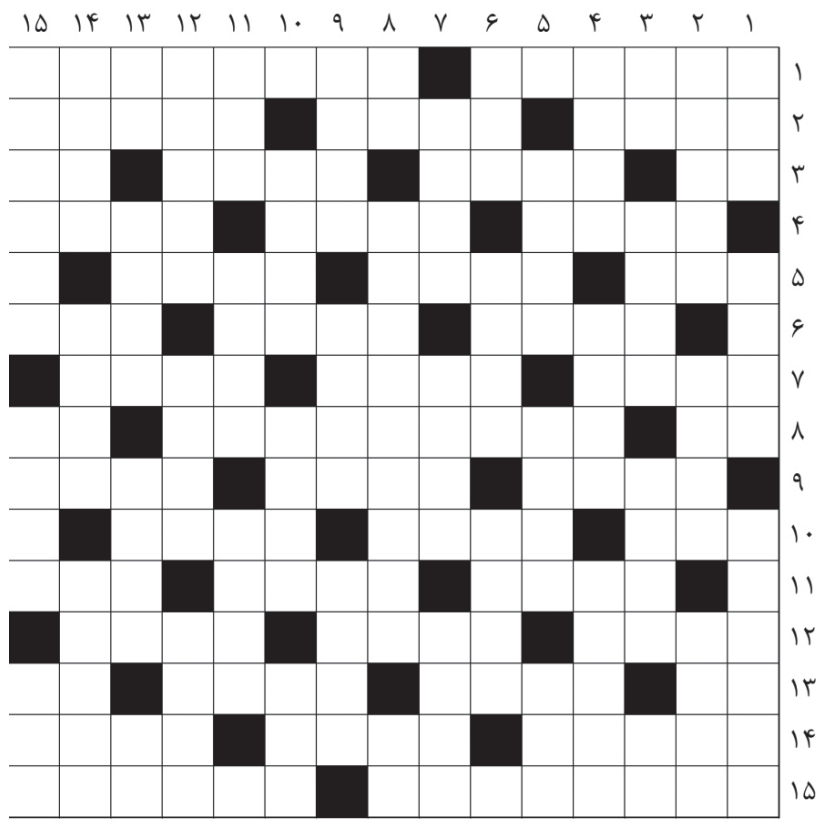

حل سودوکو ۴۱۲۵

۵	۷	۳	۸	۶	۴	۹	۱	۲
۱	۴	۲	۷	۹	۵	۶	۸	۳
۸	۹	۶	۱	۳	۲	۵	۴	۷
۴	۱	۵	۶	۷	۳	۸	۲	۹
۳	۶	۸	۲	۴	۹	۱	۷	۵
۷	۲	۹	۵	۸	۱	۳	۶	۴
۲	۸	۴	۳	۵	۶	۷	۹	۱
۹	۵	۷	۴	۱	۸	۲	۳	۶
۶	۳	۱	۹	۲	۷	۴	۵	۸

۲	۸	۵	۶	۴	۷	۳	۱	۹
۳	۷	۴	۱	۹	۸	۲	۵	۶
۶	۹	۱	۲	۳	۵	۷	۸	۴
۵	۲	۸	۹	۱	۴	۶	۷	۳
۱	۶	۹	۸	۷	۳	۵	۴	۲
۴	۳	۷	۵	۶	۲	۱	۹	۸
۹	۴	۲	۳	۵	۱	۸	۶	۷
۷	۱	۳	۴	۸	۶	۹	۲	۵
۸	۵	۶	۷	۲	۹	۴	۳	۱

حل جدول ۵۱۲۹

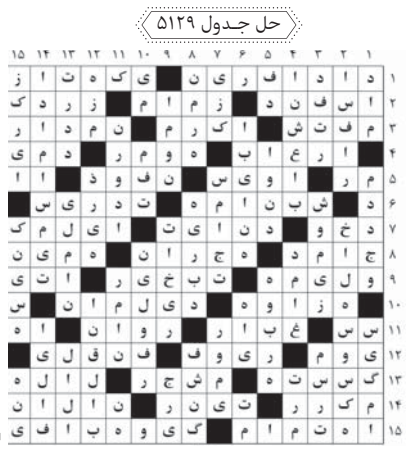

سودوکو سخت ۴۱۲۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۲			۹		۳	۷	
		۸		۴			۲	
		۶	۲					
	۸					۶		۱
			۱	۵	۹			
۲		۹					۳	
					۵	۴		
	۴			۷		۱		
	۷	۱		۸			۵	

سودوکو ساده ۴۱۲۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۴				۳	
۴			۳		۶	۲		۷
	۶	۳		۹	۷	۵		
۶			۸			۳		
	۵		۷	۶	۴		۹	
		۸			۵			۴
		۴	۹	۷		۶	۵	
۵		۹	۶		۲			۳
	۸				۳			